

# (( مافیا ))

## با جهانی شدن سرمایه، جهانی شده است!

"دفاتر مارکسیستی" حزب کمونیست فرانسه  
ترجمه: ن. کیانی

درباره ریشه لغوی واژه "مافیا" روایت‌ها مختلف است، اما در مورد "مافیا" به عنوان یک "سازمان" می‌دانیم که این سازمان نخستین بار در فاصله ۶۵-۱۸۶۰، سالهای اتحاد ایتالیا در منطقه "سیسیل" واقع در جنوب این کشور، پا به عرصه نهاد. در این دوران علیرغم اینکه اصطلاح "مافیا" به واقعیت‌هایی متفاوت و نه چندان روشن اطلاق می‌گردید، اما تلاش بر این بود که آن را سازمانی هم چون بازوی محرومین و تحقیر شدگان معرفی نمایند. برخی‌ها نیز پندایش مافیا را تجلی ایدئولوژی درون‌نگرای ویژه سیسیل می‌دانند. به این ترتیب مافیا به عنوان یک ویژگی سیسیلی که علیرغم خصلت خطرناک آن، قابل درک و فولکلوریک است معرفی می‌گردید. تصویری نادرست و خطرناک که بویژه سینما به شدت بر آن تبلیغ کرده است.

### از مافیا تا مافیایا

"مافیا" به عنوان واژه‌ای مفرد و خاص معرف سازمانی است که در سیسیل غربی حول اتحاد ایتالیا پایه‌گذاری شد و ویژگی‌های منحصر به فرد خود را داشت. مهمترین این سازمان‌ها "گوسانوسترا" است که حدود ۴۰ تا ۴۵ هزار عضو داشت. سازمان‌های دیگری مانند "نران گتا" مرکب از ۱۱۰ خانواده و ۶ تا ۷ هزار عضو، "ساکرا کورونا پونیتا" مرکب از ۳۲ خانواده و ۲۵۰۰ عضو نیز در چارچوب مفهوم "مافیا" قرار می‌گرفتند. این سازمان‌ها، انواع و اقسام تبهکاری‌ها و بویژه قاچاق مواد مخدر را سازمان می‌دادند و در مجموع مافیای ایتالیا در ۴۲ کشور جهان حضور داشتند. اما اکنون آنها دیگر تنها نیستند. به جز ۲۵ "خانواده" بزرگ ایتالیایی-امریکائی، که همگان از وزنه آنها در ایالات متحده باخبر هستند، باید از سازمان‌های دیگری نظیر "ترباد" چینی، "یاکراس" ژاپنی که کره جنوبی، ایالات متحده و استرالیا را نیز تحت پوشش دارد، "باباس" ترکیه و "ارگانیزاتیس" روسیه که ۵۷۰۰ باند و یکصد هزار بازوی مسلح را در بر گرفته است نیز نام برد. البته کارتل‌های کلمبیانی و مکزیک نیز نباید فراموش شوند.

بنابراین، "مافیا" سازمانی جنایتکارانه است، با این ویژگی که خصلتی فرا ملی نیز دارد. گروه‌های مافیائی سالانه دهها میلیارد دلار را تحت نظارت داشته و نیمی از آن را در اقتصاد جهانی به کار می‌اندازند. بنابراین گزارش می‌دهد که در سال ۱۹۹۳ در ایتالیا تهیه شده است، تنها در این کشور سرمایه‌های زیر نظارت مالیات‌ها به ۲۰۰ تا ۲۸۰ میلیارد فرانک فرانسه بالغ می‌شود. بنابر آمار صنوق بین المللی پول، این رقم در سطح جهانی به ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار سر می‌زند. برای تصور قدرت این سازمان‌ها، کافی است در نظر آوریم که رقم مزبور سه برابر بودجه ملی فرانسه است که خود چهارمین قدرت اقتصادی دنیا شمرده می‌شود. یعنی مافیایا به وسائلی مجهزند که بسیاری از کشورهای در حال توسعه از آن محروم هستند.

بدیهی است هر شکل از فعالیت‌های تبهکارانه با مافیا ارتباط ندارد. به همین دلیل لازم است بتوان باند‌های تبهکاران عادی را از یک سازمان مافیائی تشخیص داد. از سال ۱۹۸۸ بدینسو پلیس فدرال امریکا، سازمان پلیس بین المللی (اینترپول) و کارشناسان به بحث بر سر تعریف ویژگی‌های مافیا مشغول هستند. اما عجیب اینجاست که مناسبات مافیا با قدرت که یکی از ابعاد و خصیصه‌های اصلی آن است، تنها در تعریفی که اتحادیه اروپا ارائه داده، در نظر گرفته شده است. گوگولوکا ارلاننو "شهردار پالرم" در مرکز سیسیل، که یکی از چهره‌های شناخته شده بین المللی در مبارزه علیه مافیاست، آن را چنین تعریف می‌کند: «مافیا سازمانی است با پیوند‌های درونی قوی که به نحو استراتژیک از قدرت غیر قانونی، انواع و اقسام خورن‌ها و البته از قدرت قانونی استفاده می‌کند و هدف آن نه تنها پول، بلکه سلطه است.»

### مافیا و قدرت

مافیایا نمی‌توانند تنها به شکل چند ملیتی‌های تبهکاری باقی بمانند، چرا که آنها نیازمند برقراری مناسبات با قدرت‌های محلی و نیز ملی هستند. امروزه مافیا به راحتی می‌تواند خود را در اقتصاد جهانی و تحولات آن

ادغام کند. به گفته یک کارشناس، یکی از وجوه مشخصه سازمان‌های مافیائی آن است که می‌توانند خود را با تحولات اجتماعی-سیاسی و اقتصادی که در درون آن فعالیت می‌کنند، هماهنگ گردانند. "درعین حال" مافیا سرطانی نیست که بناگاه و تصادفا بر روی بدنی سالم، ظاهر شده باشد. و این واقعیتی است فراگیر. همواره میان تحول یک جامعه، شکل قدرت سیاسی و نوع بزرهکاری آن، رابطه‌ای مستقیم وجود داشته است. دیر زمانی است که پیوندهای میان محافل سیاسی ناسالم در چارچوب بده بستان‌های آنها بصورت امری شناخته شده درآمده است و گاه ظاهر مافیائی به خود می‌گیرد. اما پیوندهای میان محافل مافیائی با قدرت به کلی دارای ماهیت دیگری است. از یکسو پیوندهای مافیائی بطور عمودی و از تمام لایه‌های اجتماعی عبور می‌کنند و از سوی دیگر مافیا فعالیت خود را بر پایه مدت قرار می‌دهد.

دارو دسته‌های تبهکاران عادی صرفنظر از شکل آنها جنبه موقتی، موضعی و بی آینده دارند. اما مافیایا براساس دراز مدت عمل می‌کنند. هم چنین دلیلی برای آنها لازم است تا بر عرصه قدرت صرفنظر از شکل یا ایدئولوژی آن سرمایه‌گذاری کرده یا حتی بر آن تسلط یابند. هر روز اطلاعات بیشتری در این مورد بر ملا می‌شود. چنانکه از جمله می‌توان به افشاکاری‌های اخیر مربوط به پیوندهای مافیائی در حول خانم "تانسلو چیلر"، نخست وزیر ترکیه یا انتقاد رییس جمهور مکزیک از نفوذ سازمان‌های قاچاق مواد مخدر تا حیظه هیات دولت این کشور یا محاکمه ژولیو آندره توتی اشاره کرد.

افشاکرتز از همه، همین مناسبات و سازوکارهای مربوط به ژولیو آندره توتی است. آندروتوتی کسی است که در واقع پدرخوانده دمکرات مسیحی ایتالیا محسوب می‌شود. هفت بار رئیس شورای وزیران ایتالیا، سناتور مادام العمر... و این شخص به اتهام مناسبات نزدیک با رهبران شناخته شده "گوسانوسترا" به محاکمه کشیده شده است. صرفنظر از شخصیت و موقعیت استثنائی آندروتوتی در واقع این تمام نظام قدرت در ایتالیا است که بر صندلی اتهام قرار دارد. نظام قدرتی که شرایط بین المللی پس از ۱۹۴۳ یعنی سال پیاده شدن امریکائی‌ها در سیسیل آن را بطور مداوم در سمت معینی شکل داده است. چنانکه می‌دانیم بر اثر حمایت مافیای سیسیل و رهبر آن گوکی لویکانو که در آن موقع در ایالات متحده در زندان بسر می‌برد، سپاهیان امریکائی در ژوئیه و سپتامبر ۱۹۴۳ در پیشروی خود در جنوب ایتالیا با هیچگونه مانع واقعی و جدی برخورد نکردند. ضمن اینکه امریکائی‌ها، در جریان این پیشروی روسای قبلی مناطقی که در آنها بسیاری از چهره‌های متعلق به مافیا وجود داشت، را در مقام‌های خود ابقاء کردند. "حکومت متحد نظامی مناطق اشغالی" که تنها سازمان اداری سیسیل تا فوریه ۱۹۴۴ بود، از هر گونه مذاکره و همکاری با نیروهای ضد فاشیست و در راس آنها کمونیست‌ها خودداری می‌کرد. اما امریکائی‌ها و سپس ناتو، علیرغم تمام واقعیت، برای مافیای سیسیل تاریخچه و دیپلم افتخاری ضد فاشیستی سرهمبندی کردند. امری که به مافیا کمک کرد تا بتواند در طول جنگ سرد به یاری دمکرات مسیحی‌ها، یعنی دیگر نیروی بزرگ ضد کمونیست ایتالیا بشتابد.

با از هم پاشی بلوک سوسیالیست اروپای مرکزی و پایان اتحاد شوروی، درگیری شرق و غرب، کارکرد ژئواستراتژیک سیسیل و ایتالیا نیز پایان گرفت و همراه با آن، اهمیت مافیا، دمکرات مسیحی‌ها و نیروهای سیاسی آن خاتمه یافت. حزب دمکرات مسیحی ابتدا از نظر انتخاباتی از هم پاشید و سپس منحل گردید. ژولیو آندروتوتی تحت تعقیب قرار گرفت و قضات مهمی که بسیاری جان خود را در این راه از دست دادند، رهبران مافیا را یکی پس از دیگری دستگیر و محکوم ساختند. در نتیجه مافیا به یک استراتژی دفاعی هر چه خشن‌تر روی آورد. با اینحال نه فعالیت‌های "گوسانوسترا" خاتمه یافت و نه دیگر گروه‌های مافیائی.

### گسترش دوباره مافیا

اگر مافیایا زیان‌های شرایط جدید را متحمل می‌شوند، با اینحال توانسته‌اند از تحولات اروپای شرقی و نیز ساختمان اروپائی و جهانی شدن اقتصاد بهره گرفته و مجددا حضور خود را گسترش دهند. رفت و آمد آزادانه میان کشورها وسیله‌ای است برای عبور مخفیانه آنها از کشوری به کشور دیگر تا بتوانند از قوانین ایتالیا که هرچه بیشتر کارائی می‌یابند، فرار کنند و در دیگر کشورهای اروپائی مستقر شوند، کشورهایی که به هیچ سلاح حقوقی متناسب با فعالیت‌های آنها مجهز نیستند. اکنون در شرایطی که خصوصی سازی و پایان دادن به انحصار بخش عمومی و برچیدن موسسات ملی رواج می‌یابد، چه کسی بهتر از مافیا و بانک‌های آنها آمادگی و انبوه سرمایه‌های لازم برای خرید موسسات را در اختیار دارند؟

یکی از نمایندگان کمونیست پارلمان ایتالیا، در کتاب بسیار مستندی که اخیرا انتشار یافته است، نشان می‌دهد که (بقیحه در ص ۳۲)

## (بقیه مافیا... از ص ۳۳)

چگونه بانک های مافیائی ایتالیائی توانسته اند در روند خصوصی سازی در شرق اروپا به سرعت جای جای خود را محکم کنند و از کجا معلوم که آنها نتوانند در خصوصی سازی دیگر کشورهای چنین موقعیتی را بدست آورند؟

در اروپا، فرانسه که دارای سنت قدیمی تمرکزگر است نیز از خطر مافیا در امان نیست. برعکس همه چیز نشان می دهد که این خطر جدی است. به گفته دادستان پالرم (مرکز سیسیل): «در فرانسه مناسبات میان شعبه های کوسانوسترا - یعنی شعبه های شمال ایتالیا و روم - با تبهکاران ماری دارای سابقه طولانی است. با اینکه در ابتدا قاچاق مواد مخدر در جنوب فرانسه با هسته های کوچک خانوادگی آغاز شده بود، اما اکنون همه شواهد حاکی از آنست که این گروه ها گسترش یافته و تمام یک منطقه فرانسه از نیس تا ماری را تحت نفوذ خود قرار داده اند. کوسانوسترا می گوشتد در هر کجا که سرمایه گذاری سود آوری وجود دارد، پول بدست آورد. این سازمان در پالرم به کشتار دست می زند، اما در لندن، فرانکفورت، پاریس یا نیویورک سرمایه گذاری می کند.»

هم اکنون منطقه جنوب فرانسه یکی از مناطق فعالیت های مافیائی و نوعی پشت جبهه آنست. در این مناطق مافیا توانسته است حدی از قدرت اقتصادی را به همبستی و تبنائی قدرت های محلی و ملی بدست آورد. ولی تلاش مافیا برای بدست آوردن سود هر چه بیشتر به سرتاسر این کشور گسترش یافته است. از کازینوها گرفته تا اورودیسنی لندن و تونل زیر دریائی مانش. تنها در شمال فرانسه رقابت موسسه بلژیکی "ب ت پ" که وابسته به مافیاست، تاکنون به بهای ۲۰۰ میلیون فرانک زیان و از دست رفتن ۴۰ تا ۵۰ هزار شغل تمام شده است.

### چالشی که باید به مصاف آن رفت

مافیایا، از آنجا که در قلب سیستم سود قرار دارند و نه در حاشیه آن، مانند جنایتکاران عادی - و از آنجا که قدرت خود را بر روی خشونت و تبهکاری بنا می کنند، مبارزه با آنها و وظیفه همه نیروهای دموکراتیک است. کمونیست های ایتالیا که دشمن سرسخت اختاپوس های مافیا هستند، بهای گرانی را در این مبارزه پرداخته اند که از جمله می توان به قتل نماینده پارلمان پیولاتور، نویسنده نخستین قانون ضد مافیا در آوریل ۱۹۸۲ اشاره کرد.

در فرانسه نیز یک کمیسیون پارلمانی درباره فعالیت های مافیائی در سال ۱۹۹۲ تشکیل شده بود. اکنون فعالیت این کمیسیون معلوم نیست بر اثر چه فشارهایی متوقف گردیده است. برای مبارزه با مافیا باید علاوه بر آنکه از وسایل نظارت دائمی برخوردار بود، بلکه باید دلایل یا شرایطی که به گسترش مافیا یاری می رساند را شناخت تا بتوان آن را تغییر داد. در عین حال شکست دادن مافیا نیازمند آشکارگویی، شفافیت، علنیت و گسترش دموکراسی است. شناخت فعالیت های مافیائی، افشای تبنائی های سیاسی و مداخله مردم تنها راه مقابله با آنست!